

فضای عمومی؛ بُعد کلیدی زندگی شهری

Public Space; The key dimension of city life | Fatemeh Khodadadi Agh Ghal'e

Urban space is the most important element of a city; The success rate of this space can be measured using its social acceptability. The high potential for strengthening collective functions and forming social interactions is more than anything else, it is capable and requires collective behaviors, which depends on the sociability of these spaces.

فضای شهری مهم‌ترین عنصر یک شهر است؛ میزان موفقیت این فضا با استفاده از اجتماع‌پذیری آن قابل‌سنجش است. پتانسیل بالا برای تقویت کارکردهای جمعی و شکل‌گیری کنش‌های متقابل اجتماعی بیش از هر چیز دیگری مستعد و نیازمند رفتارهای جمعی است که این امر منوط به اجتماع‌پذیری این فضاهاست.

← فاطمه خدادادی آق قلعه

متولد ۱۳۶۹، پژوهشگر معماری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

شهر از جنبه‌های کالبدی و اجتماعی به صورت توأمان ساخته می‌شود. شهروندان حس‌های مثبت و منفی را از محیط گرفته یا به آن پس می‌دهند و مکان را خلق می‌کنند و مکان مستقل از انسان معنا ندارد! رابطه بین انسان و مکان رابطه‌ای سوداگرانه است. با توجه به رابطه دوطرفه میان کالبد شهر و زندگی شهروندان و تأثیرگذاری مستقیم این دو بر یکدیگر است که می‌توان فضایی پاسخ‌گو به نیازهای شهروندان ایجاد کرد؛ چنین فضایی قادر است پویایی را در شهر ایجاد کند و تعامل میان افراد جامعه را ارتقا بخشد. ماهیت این فضا، بیانگر دخیل بودن عوامل متنوعی در ساختار آن است (Carmon, 2018). کنترا در پی نظر رلف^۲، مکان را حاصل عملکرد سه عامل «فعالیت‌ها»، «خصوصیات کالبدی» و «ادراک محیط» می‌داند. مکان جایی است که در آن روابط اجتماعی ارگانیک وجود دارد و مردم در طول سال‌های متمادی باهم در ارتباط‌اند. راپاپورت^۳ معتقد است که تنها ساخت، بافت خاص یا وجود عناصر به یک مجتمع زیستی موقعیت شهری نمی‌بخشد، بلکه این عملکرد آن است که بدان مفهوم شهری می‌بخشد. این عملکرد انتظام‌بخش به محیط است؛ نظمی که حاصل نیاز انسان به نظم بخشیدن به جهان است؛ بنابراین شهرها محصول عملی ارادی هستند؛ اراده‌ای که ناشی از خصایص درونی انسان است. شهر به مثابه صورت‌های فضایی، بیانگر فرهنگ‌هایی است که تولید کرده است؛ بنابراین شهر، به مثابه محصول فرهنگ، به سهم خود می‌تواند یک قالب فرهنگی نیز باشد. تاریخ

شهر و ساختار شهری بدون فضای عمومی غیرقابل‌تصور است. اکثر نظریه‌پردازان شهری بر این امر اتفاق‌نظر دارند که فضای عمومی، بُعد کلیدی زندگی شهری است. این فضاها فرصت‌هایی را برای باهم بودن، اجتماع‌پذیری، تفریح، برگزاری جشن‌ها و... فراهم می‌کنند. از مهم‌ترین کارکردهای فضای عمومی در شهرها، گذران فراغت و تفریح است که موجب پیوند فضای عمومی با گردشگری شهری می‌شود. اهمیت این کارکرد به حدی است که فضاهای عمومی شهری و کیفیت آن‌ها، از شاخصه‌های مهم توسعه شهری محسوب می‌شود (Dias, 2017).

فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود. محیط شهری چیزی نیست جز فضای زندگی روزمره شهروندان که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول روز ادراک و موارد متنوع زیستی، زیبایی‌شناختی، عملکردی و... در ایجاد آن نقش دارند (Affleck, 2019). هویت از مفاهیم اصلی زندگی اجتماعی است. هویت شهری در شهر معنا پیدا می‌کند و شکل می‌گیرد. شکل‌گیری این هویت از نظر کریستوفر الکساندر^۴ زمانی رخ می‌دهد که ارتباطی طبیعی و منطقی میان فرد و محیط ایجاد شده باشد. درواقع هویت است که شهر را می‌سازد و پس از آن، خود شهر در پردازش هویت آیندگان نقش ایفا می‌کند. هر بنا یا شهری به میزانی زنده است که به راه بی‌زمان ملتزم باشد. راه بی‌زمان روندی است که نظم را فقط از خود برمی‌آورد.

در کل می‌توان گفت که هویت شهر مانند چسبی است که مردم را به آن متصل می‌کند و عینیتی است توأم با ذهنیت. عینیت از این نظر که بخشی از هویت وابسته به یکسری عناصر و نمایه‌های بیرونی و ظاهری است که دیده می‌شوند و ذهنیت از این نظر که بخشی از هویت در ذهن ساکنان شکل گرفته است که در خاطره، احساس، تداعی‌ها و ارزش‌ها متبلور می‌شود. هویت، محصول روابط اجتماعی مستقر و متبلور در مکان است، اما تابع عوامل و عناصر ظاهری و سیمایی آن است؛ بنابراین این مفهوم همواره به دو بُعد مهم اشاره دارد، نخست بُعد عینی و ملموس هویت و دوم برداشت، ادراک و تصویر هویت مفروض که ذهنی و انتزاعی است. هویت فرایندی در حال بودن و شدن فهمیده و درک می‌شود. نقش فضا در زمینه هویت‌یابی نقشی انکارناشدنی است و انسان با شناختی که از فضای زندگی خود به دست می‌آورد، می‌تواند به نوعی شناخت از خود برسد. براساس نظریه فرایند هویت‌یابی بریکول^۵، هویت به مثابه ساختار یا فرایند توسط اصول متفاوت فرهنگی در طول زمان شکل می‌گیرد. از نظر وی هویت در طول زمان جریان می‌یابد و از طریق انطباق، حل شدن، شبیه شدن و ارزیابی پیوسته محیط اجتماعی تکامل می‌یابد (Korpela, 1989).

فضای شهری عنصری اساسی و اصلی در تعاملات و ارتباطات بین شهروندان است. گیدنز^۶ معتقد است که فضای شهری بر پایه نوع روابطی که در آن برقرار می‌شود به تولید معنا منجر می‌شود. مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و واجد بار معنایی و ارزشی است. اگر حوزه‌ای بخواهد فضای شهری باشد هم باید مکان باشد و هم محل گفت‌وگو و تعامل نیروها. بسیاری از فضاهای کنونی شهرها، حتی مکان شهری نشده‌اند و هنوز فاصله زیادی تا فضای شهری دارند؛ بنابراین فضاهای عمومی شهر باید امکان ایجاد ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را نیز فراهم آورند (Harma, 2015) و نقشی زیاد به مثابه نقطه‌ای برای ملاقات و ظرفی برای جنبش‌های اجتماعی ایفا کنند (Hall, 2008). افراد یا سازمان‌های خصوصی فضای عمومی را کنترل نمی‌کنند و از این رو به روی مردم گشوده است. ویژگی این فضا، ایجاد امکان در هم جوشیدن گروه‌های متفاوت مردم، صرف‌نظر از طبقه اجتماعی، قومیت، نژاد و سن‌شان است. فضای عمومی با فضای خصوصی و نیمه‌خصوصی

تحت کنترل یک گروه که نمی‌گذارند دیگران از فاصله‌ای معین نزدیک‌تر شوند، متمایز است. در هر جایی که توسعه‌های سیاسی و اقتصادی، به مجزا کردن گروه‌های اجتماعی انجامیده است، ساخت‌وسازها و توسعه‌های مکانی از این روند تبعیت کرده و به افزایش این انفکاک کمک کرده‌اند (Reis, 2018).

پل زوکر^۶ (۱۹۵۹) فضای شهری را ساختاری سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم کالبدی می‌داند که برای فعالیت‌های انسانی و بر قواعدی معین و روشن استوار است (Dushkina, 2019). وجود فضاهای عمومی دارای خصیصه اجتماعی‌پذیری مکمل مهمی در جهت اجتماعی شدن افراد است. علاوه بر این اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری موجب ارتقای روحیه هم‌بستگی و رشد فردی در همه شهروندان بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، سن یا سطح اجتماعی و اقتصادی می‌شود (Rahami, 2015). درواقع حضور مردم در یک مکان، رابطه نزدیکی با کارکردها و کیفیت آن مکان برای وقوع این رخدادها دارد (McCanta, 2016). بدین ترتیب هرچند فضاهای شهری پتانسیل بالایی برای تقویت کارکردهای جمعی و شکل‌گیری کنش‌های متقابل اجتماعی دارند، اما تحت عنوان استخوان‌بندی شهر و فضاهای زیست شهری، بیش از هر چیز دیگری مستعد و نیازمند رفتارهای جمعی هستند که این امر منوط به اجتماع‌پذیری این فضاهاست. مفهوم کنش متقابل اجتماعی به بررسی قرارگاه‌های رفتاری و رفتار شکل‌گرفته در بستر فضاهای شهری می‌پردازد. این مفهوم در پی کشف رابطه میان کنش اجتماعی و رفتارهای جمعی و ارتباط آن با فضای شهری است. اگر بپذیریم رفتار فرد در محیط برآیندی از عملکرد، ادراک و کالبد است، ساختار و فرم مناسب فضا، تنوع در کارکرد و عملکردها، سرزندگی و جذابیت فضایی، تناسب بصری و غنای حسی و ویژگی‌های منحصر به فرد فضایی، در کنش اجتماعی فرد در برقراری رویدادهای اجتماعی تأثیرگذار است؛ بنابراین بحث اجتماع‌پذیری فضا درواقع بر شکل‌گیری کنش متقابل اجتماعی در فضای شهری تأثیر بسزایی دارد (Tortz, 2017).

اگر کالبد شهری را تحت عنوان شاکله شهر و آن چیزی بدانیم که فرد در نخستین رویارویی‌اش با محیط درک می‌کند، می‌توان این نتیجه را گرفت که دو مفهوم «کاربرد» و «زیست اجتماعی» نمی‌تواند از هم جدا باشد؛ فضا بر نحوه رفتار انسان تأثیر می‌گذارد و شاکله فضایی در ترغیب استفاده از فضا امری غیرقابل‌انکار است (Tibbalds, 2019). لینچ^۸ (معنی در محله) را خاصیتی از محیط می‌داند که می‌تواند فرد را به دیگر جنبه‌های زندگی مرتبط سازد. معنی از طریق آموختن در فرد درونی می‌شود. تجربه، دانش و هنجارهای فردی و اجتماعی در آن نقشی مهم بازی می‌کنند که جمع آن «فرهنگ» نامیده می‌شود. در یک محیط معمولی بیشتر اشیاء و پدیده‌هایی که ادراک می‌شوند، بار معنایی نیز دارند. فضای شهری قلمرویی برای زندگی و هویت‌یابی است.

درواقع لینچ شکل شهر را مانند متنی فرض می‌کند که باید بتوان آن را خواند یا خوانایی را به آن بازگرداند. درواقع شهروند باید بتواند خود را به بهترین شکل در شهر بازپابد و به آن احساس تعلق پیدا کند. تصویر ذهنی افراد یا خاطرات گذشته آنان را با مکان پیوند می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که تغییر و تحولات کالبدی شهر سبب تخریب

خاطره‌ها و تصاویر ذهنی شهروندان می‌شود و به‌گونه‌ای بازسازی‌های نوگرایانه تهران در حال تخریب خاطرات ساکنان شهر است. برخلاف نگاه برگسون^۹ که خاطره را امری فردی می‌داند (Boyer, 1998)، خاطره‌های جمعی که مبتنی بر تجربه زیسته هستند، حاصل مشارکت فعال مردم در رویدادهای شهری‌اند. از نظر حبیبی انسان در «حیات واقعه‌ای» در حال زندگی می‌کند و جزئیات را به ذهن می‌سپارد (حبیبی، ۱۳۷۸). این جزئیات شامل ابعاد کالبدی و نحوه تغییر آن در طول زمان است. محله نیاوران نیز با قرائت و تکرار این روایت‌ها هویت می‌یابد و مردم این محله همواره در معرض چرخه‌های تمام‌نشده ساخت و تخریب

قرار دارند. کوچه‌های این محله به‌طورمعمول از نظر دوره تغییرات کالبدی در شرایط یکسانی قرار ندارند. برخی از کوچه‌ها به‌طور کامل دگرگون شده و دیگر ارتباطی با آنچه به‌مرورزمان در ذهن ساکنان شکل گرفته است، ندارند؛ اما برخی دیگر با سرعت‌های کم تا زیاد در مسیر تغییر حرکت می‌کنند که بدون در نظر گرفتن فضاهای عمومی برای ساکنان، حاصلی جز تخریب خاطره‌ها و تصاویر ذهنی نخواهند داشت. «هرچه بیشتر به نظرات مردم گوش می‌کردم، بیشتر برایم محرز می‌شد که آنان آگاهانه یا ناخودآگاه از محیط خانه (محله) خود به‌عنوان ابزاری برای بیان چیزی درباره خودشان استفاده می‌کنند» (Marcus, 1995). ■

۱. David Canter
۲. Edward Relph
۳. Amos Rapoport
۴. Christopher Alexander (1936-2022)
۵. Glynis M. Breakwell
۶. Anthony Giddens
۷. Paul Zucker
۸. Kevin A. Lynch (1918-1984)
۹. Henri Bergson (1859-1941)

Tabibian, Tehran: University of Tehran Press, 143-196.

- Harma, P. Chrisman, J.J. (2015). Succession Planning as Behavior in Urban Space- Some Experimental Results. *City and Citizen Magazine*, No. Volume 16(1).
- Tibbalds, F. (2019). Sociable spaces in the context of cities. *Journal of Urban Studies*, 11(9).
- Korpela, K. (1989). Place-identity as a product of environmental self-regulation. *Journal of Environmental Psychology*, 9(3), 241-256.
- Marcus, C. C. (1995). *House as a Mirror of Self: Exploring the Deeper Meaning of Home*. Nicolas-Hays, Inc.
- McCanta, I. (2016). *Environmental features of safe urban spaces*. Paris: Center for Urban Planning and Architecture Studies and Research, Special Publication.
- Rahami, M. B., Eskandari, H. (2015). Socialization and its importance in designing public spaces. *Journal of Urban Management*, 15(8).
- Reis, A. et al. (2018). Access and security Analysis of urban spaces. *Journal Residential income*, The fourth international space Syntactic Symposium in London. No. 26.
- Tortz, N. (2017). Cohesive city shape; Study of the physical cohesion of the city in strengthening interactions. *Spring Press*, 26(14).

منابع:

- Affleck, J. Kwan, T. (2019). Urban spaces and their importance. *International Journal of Heritage Studies*. 14(3), May 2008, 268-280.
- Carmona, M. (2018). Orphan Heath Tenrack and Steven Tisso, Public Places, Urban Spaces: Various Dimensions of Urban Design. *Journal of Sustainable City*, 29(13).
- Dias Lay, M.c, Reis, A., Dreux, V., Becker, D. (2007). Urban security and spatial behavior: syntactic and perceptual analysis of the central area of porto Alegre. *6th international Space Syntax Symposium*. Istanbul.
- Hall, A. (2008). *Hidden Dimension*. Translator: Manouchehr